

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هواداران اردوغان برای پوشاندن چهره قبیح سیکولریستی‌اش، سرپوش اسلامی می‌نهند!

(ترجمه)



انگیزه‌هایی که من را واداشت تا این مقاله را بنویسم رضایت الله سبحانه و تعالی می‌باشد و این رضایت او سبحانه و تعالی را در این مورد خاص، به توضیح مسائلی ذیل می‌بینم.

واقعیت اردوغان که شخصی سیکولر بوده و این‌که حزب‌اش اسلامی نیست و نظام حکومت‌داری‌اش آن‌چنان‌که هواداران‌اش تلاش می‌کنند تا آن را رنگی اسلامی دهند، اسلامی نبوده و این تصرفات‌اش اسلام را تحریف کرده است، این‌که یک‌تعداد زیاد از هواداران‌اش فکر می‌کنند که اعمال مجرمانه‌اش مثل کشتار مسلمانان شام، پیوستن به پیمان ناتو، اساس‌گذاری اقتصاد ترکیه از اموال حرام، تحویل پایگاه نظامی ترکیه که موشک‌ها و طیارات از آن‌جا به بهانه مبارزه با تروریسم، مسلمانان را به قتل می‌رساند، جائز بوده و با اسلام در تضاد نیست. به توفیق، توکل و اعتماد بر الله سبحانه و تعالی به بررسی موارد فوق خواهیم پرداخت.

اول: دروغ اسلامی بودن ترکیه و حزب "عدالت و توسعه"

یک‌تعداد تلاش می‌کنند تا بر ترکیه و حزب عدالت و توسعه واژه "اسلامی" را بکار گیرند و هدف از آن پوشیدن حقیقت ترکیه، رئیس‌جمهور و حزب‌اش است؛ چون این‌ها همه سیکولر بوده ولی پوششی اسلامی گذاشته‌اند و این شهادتی کاذب است. اردوغان خودش با صراحتی کامل هویت حقیقی خود و حزب‌اش را بیان کرده و می‌گوید: «حزب عدالت و توسعه در ترکیه، حامی سیکولریزم است.» چنان‌چه خود را نیز حامی سیکولریزم می‌داند، نه به‌خاطر منافقت با طرفداران مصطفی کمال (کمالیست‌ها)، بلکه با لهجه صادقانه که ناشی از احساسات صادقانه به سیکولریزم است که به آن ایمان داشته و آن را در ترکیه تطبیق می‌کند و به‌عنوان رسالتی به خاور میانه حمل نموده و سیکولریزم ترکیه را نمونه‌ی می‌داند که باید دیگران نیز آن را تطبیق کنند. چنان‌که حریص بود، پس از انقلاب‌های بهار عربی در لیبیا و مصر، الگوی ترکیه تطبیق شود و تلاش نمود که "مُرسی" را در حکومت‌داری‌اش به نمونه برداری از سیکولریزم ترکیه مجاب کند.

هواداران اردوغان و شهادت دروغین شان:

هواداران اردوغان و حزب‌اش اصرار می‌ورزند تا به اردوغان، حزب‌اش و نمونه ترکیه، واژه "اسلام" را به‌کار برده و به حزب عدالت و توسعه پسوند "اسلامی" را اضافه کنند، و این کار فهمیده یا نفهمیده در واقع گمراه نمودن اذهان مسلمانان است تا این‌که طرح حقیقی اسلام را که "خلافت" است، نشناسند و همچنان این شهادت دروغ است که اسلام آن را شدیداً حرام قرار داده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿...وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾

[حج: 30]

ترجمه: ... و از گفتن اقتراء (بر مردم و بر الله) بپرهیزید.

و نیز فرموده است:

﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾

[ق: 18]

ترجمه: انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این‌که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

و او سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾

[فجر: 14]

ترجمه: مسلماً پروردگار تو در کمین (مردمان و مترصد اعمال ایشان) است.

و نیز فرموده است:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾

[فرقان: 72]

ترجمه: و (بندگان الله رحمان) کسانی اند که بر باطل گواهی نمی‌دهند، و هنگامی که کارهای یاوه و سخنان پوچی را ببینند و بشنوند، بزرگوارانه (از شرکت در بیهوده‌کاری و یاوه‌سرائی کنارگیری می‌کنند و از آنها) می‌گذرند.

از حضرت ابوبکر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «آیا بزرگترین گناه کبیره را به شما نگویم؟» گفتیم: بلی ای رسول الله. فرمودند: «شریک آوردن به الله و عاق شدن توسط پدر و مادر.» پیامبر که خود را به چیزی تکیه داده بود نشست و فرمود: «آگاه باشید که شهادت دروغ هم جزء بزرگترین گناهان کبیره است.» پیامبر صلی الله علیه وسلم این را همواره تکرار می‌نمود تا این‌که پیش خود گفتیم کاش پیامبر صلی الله علیه وسلم سکوت اختیار کند.

(متفق علیه)

ارتباط شهادت دروغ به شریک آوردن به الله سبحانه و تعالی که از جمله بزرگترین گناهان کبیره است، خود دلیلی بر زشتی گناه "شهادت دروغ" است.

دوم: سیکولریستی ترکیه

هواداران اردوغان به "کمالیست‌ها" واژه "سیکولر" را استفاده می‌کنند که این درست است ولی در مقابل، اردوغان را از سیکولر بودن تبرئه کرده و وی را کسی می‌دانند که با سیکولریزم مبارزه می‌کند. گویا وی از بزرگان اسلام بوده و این، بس نادرست است! حقیقت این است که اردوغان و کمالیست‌ها همه سیکولر بوده و به آن باور کامل دارند و شب و روز، پنهان و آشکار برای تطبیق آن کار می‌کنند تا حکومت سیکولر ترکیه استمرار یافته و در مقابل، علیه بازگشت اسلام به حکومتی که در قالب تأسیس خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت است، مبارزه می‌کنند پس چه فرقی در سیکولر بودن شان وجود دارد؟!

فرق بین سیکولریستی اردوغان و کمالیست‌ها:

کمالیست‌ها که رهبری شان را مصطفی کمال به عهده داشت و به دروغ و بهتان "اتاترک" یعنی پدر تُرک‌ها خود را لقب داده بود و شایستگی آن را نداشت، کسانی بودند که خلافت عثمانی را با همکاری انگلیس از بین بردند که تا امروز هم انگلیس از ایشان حمایت می‌کند و در انتخابات اخیر، انگلیس در پس جنبش "حزب ملی" قرار داشت. سیکولریزم کمالیست‌ها برگرفته از سیکولریزم انگلیس است و معنی آن، لغو کامل مظاهر دین بوده و این سیکولریزمی است که علناً با اسلام می‌جنگد و به‌جز گروهی اندک که به آن باور دارند، مسلمانان ترکیه آن را رد می‌کنند. اما سیکولری اردوغان برگرفته از امریکاست، سیکولریزمی که پنهان بوده و به لباسی (لباس دین) پوشیده شده که مسلمانان ترکیه به آن ایمان دارند و این نوع سیکولریزم، مانع بروز دادن بعضی از احساسات اسلامی فرد نمی‌شود مگر دین را از امور دولت و جامعه جدا نموده است.

در قالب این نوع سیکولریزم، از اردوغان می‌پذیرند که در سلوک فردی خویش بعضی از احساسات اسلامی را بروز دهد یا افراد در سلوک خویش (آن‌عه از سلوکی که به امور دولت و جامعه ارتباطی ندارد) این احساسات را بروز دهند. اردوغان سلوکی مثل این‌که نماز بخواند و قرآن قرائت کند یا این‌که زن‌اش حجاب بپوشد یا بعضی از بیانیه‌های آتشین کاذب را بر علیه یهود، امریکا، روسیه و ایران اظهار دارد؛ مادامی‌که روابط واقعی بین او و این کشورها به شکل دل‌خواه باشد، با این همه مشکلی نخواهند داشت! یا این‌که بعضی از این احساسات که هیچ تأثیری بر تطبیق احکام اسلام در میدان زندگی ندارد در سلوک افراد بروز کند، باز هم هیچ‌گونه مشکلی نخواهند داشت مانند احداث مدارس برای حفظ قرآن، تدریس بعضی از احکام اسلامی در مدارس حکومت البته احکامی که متعلق به فرد است. مگر در مقابل، به تطبیق این دسته از احکام مشکل دارد؛ احکامی که متعلق به دولت و جامعه مثل احکام خلافت، توافق‌نامه‌ها، معاهدات، احکام نظام اقتصادی اسلام، سیاست مالی، سیاست تعلیم و تربیه اسلامی، احکام شرکت‌ها در اسلام، احکام شرعی متعلق به کشورهای محارب و معاهده صلح و جنگ، احکام جنگ‌های فتنه انگیزی که امروزه سرزمین‌های اسلامی را از پای در آورده است، بیان مفهوم درست جهاد که به‌منظور اعلاهی کلمه‌الله و قتال با کفار صورت می‌گیرد و نه زیر دروغ "مبارزه با تروریسم" مسلمانان با هم‌دیگر قتال کنند، یا همراه امریکا تحت پیمان "ناتو" با مسلمانان افغانستان بجنگد و یا هم همراه امریکا و روسیه در شام....

امریکا و مزدور اش اردوغان اجازه نمی‌دهند تا این احکام تدریس شود و کسی‌که باور ندارد، می‌تواند از اردوغان خواهان کسب اجازه تدریس این احکام و یا بخشی از آن شود و به‌زودی حقیقت نظام ترکیه را آن‌چنان‌که هست، خواهد دانست؛ نه آن‌چنان‌که دجال‌ها آن را به تصویر می‌کشند.

مگر ممکن است در ذهن این سؤال مطرح شود که چرا در بین کمالیست‌ها و اردوغان مبارزه‌ی شدید وجود دارد؟ مگر بین حق و باطل، اسلام و کفر، تمدن شکوفای اسلامی و تمدن متعفن غربی که مسبب بدبختی بشریت شده است جنگ نبوده است؟ مگر این‌ها دلیل مبارزات سخت اردوغان همراه کمالیست‌ها که آخرین‌اش مبارزات انتخاباتی بود، نیست؟!

نبرد اردوغان همراه کمالیست‌ها نبرد سیاسی بوده نه نبرد تمدن!

از زمانی که انگلیس از طریق مزدوران کمالیست خویش خلافت عثمانی را منهدم نمود تا زمان در دست‌گیری حکومت توسط اردوغان، کمالیست‌ها عهده‌دار حکومت بودند هر چند که در ضمن حکومت‌شان بعضی از طرفداران امریکا در پُست‌های دولتی رسیده بودند.

امریکا از طریق احساسات پاک مردم مسلمان ترکیه که از کمالیست‌ها به‌خاطر دشمنی علنی‌شان با اسلام تنفر داشتند، اردوغان را به نخست‌وزیری رساند. در آن هنگام بود که درک کرد این احساسات پاک مردم، خاک حاصل‌خیزی است برای افشاندن بذر رساندن اردوغان به حکومت و تثبیت آن؛ امریکا به اردوغان دستور داد تا احساسات اسلامی خویش را بروز دهد تا توسط آن موفق شده و مردم به عنوان رئیس حزب اسلامی به اطراف‌اش گرد آیند! چنانچه می‌دانیم حزب وی حزبی سیکولر است و آنچه را که امریکا می‌خواست به‌دست آورد رساندن اردوغان به نخست‌وزیری بود، ولی در مقابل‌اش مشکلی بزرگ قد علم کرد و آن این‌که اردوی ترکیه در اختیار کمالیست‌ها بود، او‌شان مزدور انگلیس بوده و انگلیس توجه خاصی به ترکیه مبذول داشته بود و هر لحظه ممکن بود بر اردوغان بشورند.

در آن زمان استخبارات امریکا سلسله بزرگی از انفجارها را به یک‌تعداد از شهرهای مختلف ترکیه راه‌اندازی نمود تا به بهانه مبارزه با تروریسم، کمالیست‌ها را مجبور کند که وجود نیروهای مبارزه با تروریسم را بپذیرند؛ نیروهای مبارزه با تروریسم، نیروهای امریکائی بودند که سلاح‌های کشنده‌یی در اختیار داشتند. امریکا این نیروها را به اختیار اردوغان گذاشت و این نخستین گام وی برای تسلط بر اردو بود و با هر سلسله از انفجارها، امریکا تعداد این نیروها را مضاعف می‌نمود. با گذشت چند سال، نیروهای امنیتی‌یی که به اختیار اردوغان در آمدند، موازی با نیروی اردو بود و یا حداقل توان انقلاب علیه اردوغان را از اردو گرفته بود و بر حسب قانون "شورای عالی نظامی ترکیه برای اردو" با حیل‌گری تمام، افسران اردو را به تقاعد سوق داد و به‌جای آن‌ها، طرفداران خود و یا هم‌کالیست‌هایی را گماشت که با وی مشکلی نداشتند و به این ترتیب امریکا مزدور اش اردوغان را قادر ساخت تا گلیم اردو را از زیر پای کمالیست‌ها، بکشد.

مشخص است که در هر کشور، انگلیس و مزدوران‌اش جرأت ندارند تا علناً به مقابل امریکا و مزدوران امریکا بایستند و این کار را پنهانی انجام می‌دهند و این دلیل انقلاب نافرجامی بود که افسران بلند پایه کمالیست ترکیه در سال 2016م درست یک ماه قبل از نشست شورای عالی نظامی ترکیه که قرار بود یک‌تعداد از افسران به تقاعد سوق داده شوند، انجام دادند و این تقاعد را از طرف ادوغان و امریکا برای خویش، ضربه بزرگ قانونی می‌پنداشتند. بنابر این، دست به انقلاب زدند و این انقلاب دستگیری و پاک‌سازی اردو از ایشان را، توجیه کرد.

به این ترتیب واضح می‌شود که نبرد بر سر قدرت در ترکیه، نبردی جهانی است که یک‌طرف آن امریکا و اردوغان و طرف دیگر آن انگلیس و کمالیست‌ها اند. با آن‌هم، بر اساس قانون اساسی‌یی که در همان آوان فروپاشی خلافت تصویب شد، همگی بر سر جمهوریت ترکیه، سیکولریسم، اساسات یهودی مصطفی کمال، حراست از سیکولریسم، مبارزه با اسلام سیاسی و منع بازگشت به خلافت در ترکیه، اتفاق نظر دارند.

رد طرح خلافت توسط اردوغان و مبارزه با آن، خود دلیلی قاطع بر سیکولر بودن‌اش است:

اردوغان در باره اردوی ترکیه می‌گوید: «این اردوی مقدسی است که از دین ما حراست می‌کند.» وقتی اردوی ترکیه حایز این صفت بوده و در اختیار اردوغان است و "بر حسب تعبیر طرفداران اردوغان" به دست کمالیست‌های سیکولر نیست و مادامی‌که مردم از نظام سیکولریسم متنفر و خواهان خلافت اند و اردو هم، چنانچه اردوغان می‌گوید از دین حراست می‌کند، پس چرا اردوغان خلافت را اعلام ننموده و بر نظام سیکولریسم نقطه پایان نمی‌گذارد؟! این بیان‌گر یک حقیقت است و آن ایمان اردوغان به سیکولریسم و تلاش برای تطبیق و استمرار حکومت سیکولریستی در ترکیه می‌باشد. اگر در ادعای خود صادق باشد و آن‌گونه که طرفداران‌اش فکر می‌کنند که وی به تدریج پیش رفته تا این‌که حکومت اسلامی تأسیس کند، وی به آخرین درجه‌یی رسیده و مردم و اردو را با

خود دارد و هرگاه که مردم فقط با بروز بعضی از احساسات اسلامی از وی حمایت می‌کنند، پس چگونه خواهد بود اگر وی خلافت را تأسیس نموده و به اسلام حکم کند؟ در آن هنگام کُل امت اسلامی بر اطراف‌اش گرد خواهند آمد و تمام حکومت‌ها از هم خواهد پاشید و در آن زمان خواهد بود که امریکا، روسیه و اروپا توان کاری نخواهند داشت بلکه در بیهوشی فروپاشی حکومت‌های مزدوران‌شان، در هراس از هم پاشی حکومت‌های خویش خواهند بود.

مگر حقیقت تلخی که باید همه ما به آن قناعت کنیم، این است که اردوغان نه تنها یک سیکولر تمام عیار است، بلکه در ترکیه شخص سیکولریست در جه اول بوده و برپائی حکومت اسلامی از طریق اردوغان، سرابی است که هرگز متحقق نخواهد شد.

بدتر از آن، این‌که اردوغان در حالی به مبارزه با دعوت‌گران خلافت می‌پردازد که او‌شان به هیچ عملی مادی دست نمی‌زنند بلکه از راه فکر و سیاست که هیچ عملی مادی را با خود ندارد، به خلافت فرا می‌خوانند. محاکم اردوغان مجازات سختی را در حق شباب حزب‌التحریر روا داشته‌اند مانند این‌که در چند سال قبل، 49 تن‌شان را به 117 سال زندان محکوم نمودند و سال قبل "یلماز شیلیک" سخنگوی رسمی و سابق حزب را به 15 سال زندان محکوم نمودند. اگر اردوغان آن‌چنان‌که طرفداران‌اش می‌گویند، خواهان خلافت است، نه تنها که هرگز همراه دعوت‌گران خلافت نمی‌جنگید، بلکه از وجود‌شان خرسند می‌شد. هر چند که بعضی از اسالیب‌شان در دعوت همراه اسالیب وی متفاوت می‌بود مادامی‌که هدف یکی است و آن تأسیس خلافت.

پس از آن‌که کمالیست‌ها چهره قبیح سیکولریزم را علنی نمودند و مسلمانان ترکیه سال‌های زیادی از سیکولریزم متنفر بودند؛ احساسات اسلامی را که اردوغان به سمت خویش می‌کشاند فقط نقابی است تا چهره قبیح سیکولریستی خویش را با آن پوشانده و در نظر مردم مقبول آید و تطبیق سیکولریزم در سرزمین‌های اسلامی به معنی گشودن دروازه شر بوده که خود سبب اندوه، مشکلات و بحران‌هایی است که مسلمانان را از پای در آورده است.

خلط نمودن اردوغان فرد با اردوغان حاکم:

تعداد زیادی از مسلمانان که در رأس‌شان طرفداران اردوغان قرار دارند، مکلفیت‌های فرد و مکلفیت‌های حاکم را با هم خلط نموده‌اند؛ اردوغان به‌حیث فرد، از وی همانند هر فردی از مسلمانان انتظار می‌رود که احکام شرعی متعلق به خویش به‌حیث فردی از افراد را انجام دهد و انجام اعمال فردی‌اش صفت حکم نمودن به اسلام و توصیف نمودن نظام‌اش را به "اسلامی" نمی‌دهد و آن‌چه که این صفت را برایش می‌دهد، اردوغان حاکم است و این‌که اسلام را در تمام امور دولت‌داری و جامعه یعنی در تمام نظام‌های زندگی به‌حیث نظام حکومت‌داری، نظام اقتصادی، سیاسی، تعلیم و تربیه، قضائی، سیاست خارجی و... در نظر داشته باشد.

سوم: طرفداران اردوغان و تدرُّج

هیچ‌گاه از اردوغان نشنیدیم که بخواهد بعد از مدتی، از خلال سیکولریزم به اسلام حکم کند، بلکه کاملاً بر عکس، وی اذعان می‌دارد که سیکولر بوده به سیکولریستی خویش و حزب‌اش و این‌که در ترکیه حامی سیکولریزم است، افتخار می‌کند و تنها طرفداران‌اش هستند که قائل اند وی به تدریج با نکاوت و بدون سروصدا تلاش می‌کند به اسلام حکم کند. یکتعداد این را از روی جهالت و یکتعداد هم از روی رذالت و تعصب می‌گویند، چون ایشان این دروغ را سال‌هاست که به خور مردم می‌دهند و به سبب ترکیب پیچیده و عمیق حکومتی که از سیکولران کمالیست به ارث رسیده و همچنان به سبب وجود نژادهای متعدد در ترکیه، تدرُّج را توجیه می‌کنند و نمی‌دانند که سیکولریزم با تعدد نژادها، بستری مناسب برای رشد مشکلات است زیرا قانون اساسی حکومت مدنی سیکولر، از طرف مردم وضع شده و همه در وضع آن اشتراک می‌ورزند و هر نژاد می‌خواهد که در ایجاد و تصویب آن سهم شیر را به‌خود اختصاص دهد و این موضوع مشکلات‌شان را زیاد و پیچیده نموده تا این‌که نظام قدرالی را مطالبه نموده و بعداً به کشورهای کوچک تقسیم می‌شوند.

این همه در حالیست که اسلام اقوام و نژادهای متعدد را در خود ذوب نمود و همه امتی واحد و متفاوت از سایر مردم شدند. چنانچه قانون اساسی اسلام را امکان دارد یک عالم مسلمان مادامی که توان استنباط آن را داشته باشد، تدوین کرده و سایر علماء بنا به قوی بودن دلیل، آن را بازنگری می‌کنند و کدام مشکلی در تدوین قانون اساسی وجود ندارد چون کسی که آن را از قرآن و سنت استنباط می‌کند، عالم و مجتهد است.

اینجا بین تدریج در دعوت و تدریج در تطبیق حکم نیز، خلط شده است زیرا تدریج در دعوت امری اجتناب ناپذیر است ولی تدریج در تطبیق حکم، امری محال بوده و اصلاً نمی‌توان نامش را تدریج گذاشت؛ بطور مثال: تدریج در حکم "سود" به معنی این است که میزان فایده را از 12 درصد مثلاً به 8 درصد کاهش داد سپس بعد از گذشت چند سال به 2 درصد رساند و سپس بعد از گذشت چند سال به صفر؛ هدف از تدریج در حکم سود این است و اگر دقت کنیم در کاهش میزان 12 درصد به 2 درصد، باز هم حکم سود در آن موجود بوده و تغییر نکرده است و تغییر میزان اش، آن را حلال نمی‌گرداند و کسی که سود را به میزان 12 درصد خورده و توبه نکند، در جهنم خواهد بود این بر کسی که 8، 2 و 1 درصد سود می‌خورد نیز، مصداق پیدا می‌کند و وقتی میزان اش به صفر رسید، دیگر سودی در کار نبوده و حکم شرعی که همان تحریم اش می‌باشد، اعمال شده است. تدریج در تطبیق احکام شرعی دروغی بیش نیست و ما در مقابل دو حالت تطبیق احکام شرعی و یا تطبیق احکام غیر شرعی قرار داریم.

چهارم: ترکیه قبل از 2012م و بعد از آن

یک تعداد تلاش می‌کنند تا استدلال کنند که ترکیه پس از 2012م اوضاعش بهتر شده خصوصاً پس از آن که اردوغان در عوض پُست نخست وزیری، رئیس جمهور شد؛ اما واقعیت آشکار این است که در هر دو دوره قدرت به اختیار اردوغان بود؛ در دوره ریاست جمهوری "عبدالله گل"، وی فقط یک چهره بود و قدرت در اختیار اردوغان. عبدالله گل در حکومت اردوغان وزیر خارجه بود و اردوغان بود که عبدالله گل را به‌هیئت نماینده حزب عدالت و توسعه برگزید.

برای مقایسه سریع، پس از 2012م اقتصاد ترکیه رشد نموده ولی در مقابل، قرضه‌های ترکیه زیاد شده و به قرضه‌های داخلی تبدیل شده است و ترکیه در حالی دیده می‌شود که گویا بدون قرضه است و اگر شرکت‌ها مخصوصاً شرکت‌های امریکائی قرضه‌های خود را دریافت کنند، نظام ترکیه سقوط خواهد کرد و یا هم به بحرانی سخت مواجه خواهد شد.

اردوغان پس از 2023م:

طرفداران اردوغان می‌خواهند این طرز نگرش را ترویج دهند که ترکیه بعد از سال 2023م یعنی پس از پایان توافق‌نامه لوزان (توافقی که ترکیه را از رقابت با کشورهای بزرگ و برتری بالای شان، منع نموده است) به‌زودی در رأس قرار خواهد گرفت و با کشورهای بزرگ رقابت خواهد کرد و این گروه نمی‌دانند پس از آن که ترکیه در قبضه انگلیس بود، در قبضه امریکا در آمده است و امریکا ترکیه را با غل و زنجیر فراوانی بسته است که نمی‌تواند خود را از آن برهاند و از آن جمله بستن اش به پیمان ناتو، تأسیس پایگاه‌های نظامی در ترکیه از جمله پایگاه انجریلیک که در آن امریکا 90 عدد کلاهک هسته‌یی دارد، امری که امریکا را در ترکیه صاحب تصمیم می‌گرداند و نه اردوغان را.

در اخیر دستاوردهای اردوغان که طرفداران اش از آن چیزی نمی‌گویند

اردوغان دستاوردهائی نیز دارد که طرفداران اش از آن سخن نمی‌رانند و آن هم به دو دلیل است؛ یا این که از این دستاوردها آگاهی ندارند و یا هم از آن چشم پوشی می‌کنند؛ چون آن‌ها را دستاوردهای کوچکی دیده و فکر می‌کنند که سخن گفتن در مورد آن، سودی ندارد. بعضی از این دستاوردها قرار ذیل است:

1- مراکز فحشاء و سواحل برهنگی:

اما مراکز فحشاء که سبب افساد مسلمانان ترکیه شده است، قبل از اردوغان نیز موجود بود مگر در دوره حکومت اردوغان زیاد شده است. یک تن از زنانی که صاحب یکی از این مراکز است، از راهیابی اردوغان به ریاست جمهوری در انتخابات گذشته، احساس خوشحالی نموده و گفت: «چون در دوران حکومت اردوغان تجارت ام رونق یافته است، به اردوغان رأی دادم»!

بعضی از گزارش‌ها حاکی از آن است که مراکز فحشاء در ترکیه از مراکز بزرگ عایداتی در جهان محسوب شده و جای تعجب نیست که اقتصاد ترکیه در سال‌های پسین رشد نموده است.

اما نوار افتتاح سواحل برهنگی (برهنگی کنار دریا) دریای "اژه" را اردوغان در سال 2009م قطع نمود و علی‌رغم این‌که عجیب و غریب به‌نظر می‌رسد که چنین سواحل در سرزمین "فاتح"، "قانونی" و "عبدالحمید" موجود باشد، با آن‌هم این معلومات 100 درصد درست است. وقتی این موضوع خشم افکار عامه را برانگیخت، اردوغان سواحل را به‌نام "عفاف" افتتاح نمود!

2- فرونشاندن آتشی که دولت یهود را در بر گرفته بود:

در سال 2016م وقتی آتش بزرگی دامن دولت یهود را گرفته بود، کشورهای زیادی از جمله امارات به سرعت به کمک دولت یهود شتافتند مگر این کشورها از فرونشاندن آتش عاجز ماندند و اردوغان برای این امر مهم، آستین همت را بالا زد و آن را خاموش نمود و دولت یهود غاصب فلسطین که بیش از 70 سال است خون مسلمانان را می‌ریزند، نجات داد! مگر وقتی روسیه مناطق زیادی در سوریه را از جمله غوطه شرقی به آتش کشید، اردوغان هیچ عملی را برای نجات آن انجام نداد و مردم آن بی‌جا شده و هنوز هم وی با "پوتین" دوست مجرم خویش ملاقات نموده گویا وی قطره‌ای از خون مسلمانان را نریخته‌اند است!

3- سرعت رشد روابط دوستانه بین اردوغان و ایران:

کشورهای استعماری از جمله آمریکا و انگلیس جنگ بین مسلمانان را شعله‌ور نموده و آن را لباس ملی و فرقه‌یی پوشاندند؛ ایران را لباس "شیعه"، سعودی و ترکیه را لباس "اهل سنت" پوشاندند و با کینه‌توزی فرقه‌یی در عراق، سوریه و یمن، جوی‌های خون را جاری شد.

بهرغم این‌که ایران در یمن از "حوثی‌ها" حمایت کرده و ترکیه از نیروهای ائتلاف اعلام حمایت نموده است، مگر هنوز یک‌ماه از جنگ نگذشته بود که اردوغان از ایران دیدار به‌عمل آورده و آن را تاریخی خواند، همراه "روحانی" چند توافق‌نامه را امضاء نمود. روابط شان خوب بوده ولی پیروان شان در جبهات سوریه و یمن هم‌دیگر را به قتل می‌رسانند و سپس پیامد هماهنگی سه جانبه بین پوتین، روحانی و اردوغان قتل عام مسلمانان سوریه بوده است.

4- واگذاری مواضع انقلابیون سوریه از طریق گفتگوها:

پس از آن‌که آمریکا، روسیه، ایران و ملیشه‌های آن و نظام سوریه در بُن‌بست خوردند، نقش نجات بخش اردوغان آغاز شد و تظاهر نمود که با انقلابیون همگام است! زمانی‌که آمریکا برایش دستور داد تا نقش خویش را برای انحراف انقلاب بازی نماید، اردوغان با هماهنگی روسیه و ایران به تولید جنگ‌های خیالی مانند "سپر فرات" و "شاخه زیتون" پرداخت، البته به‌منظور عقب راندن گروه‌های انقلابی از مناطقی که نظام را به‌حالت خفقان آورده بودند تا نظام بتواند نفسی راحت کشیده سپس مناطق را یکی پس از دیگری تسخیر کند.

اردوغان با آتش‌بس‌ها و گفتگوها دستاوردهائی برای بشار مجرم داشت که وی با جنگی که براه انداخته بود و ایران، روسیه و از پس آن آمریکا آن را حمایت می‌نمود، از تحقق آن عاجز بود. اردوغان منافق حلب، غوطه شرقی و

شرق ادلب را به آغوش نظام بازگرداند و امروز نظام مجرم در جنوب سوریه در عانعره می‌کشد و قبل از حمایت‌های اردوغان حتی از نگهداری دمشق عاجز بود!

5- اردوغان قانونی را توشیح نمود که متضمن آزادی هم جنس بازان است.

6- مشارکت اردوغان در کشتار مسلمانان افغانستان در قالب پیمان ناتو.

این اردوغانی است که یک‌عده از مسلمانان به او دل بسته‌اند!

خلاصه این‌که اردوغان مزدور امریکا، همپیمان روسیه، دوست دولت یهود، قاتل مسلمانان شام و افغانستان و سیکولر طراز اول و بلکه شخص اول سیکولر در ترکیه و خائن اسلام و مسلمین است. بر امت اسلامیست تا این را دانسته و همراه حزب‌التحریر برای نابودی تمام نظام‌ها از جمله نظام اردوغان کار و فعالیت نمایند و خلافت راشده ثانی بر منهج نبوت را تأسیس کنند که راه عزت و نهضت مسلمانان است؛ خلافتی که سرزمین مبارک فلسطین و سایر سرزمین‌های مسلمانان را آزاد نموده و جایگاه بهترین امتی که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند را برایشان اعاده نماید.

نویسنده: استاد شایف شرادی

مترجم: اسماعیل نصرت

18 شوال 1439 هـ.ق

2 جولای 2018 م